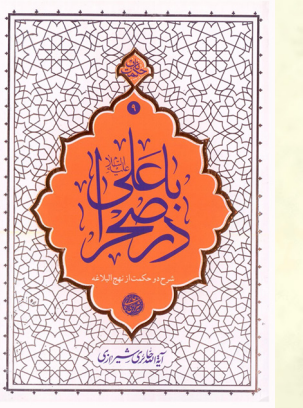


و فلان کس

محمد صادق (محلّی الدین) حائری شیرازی

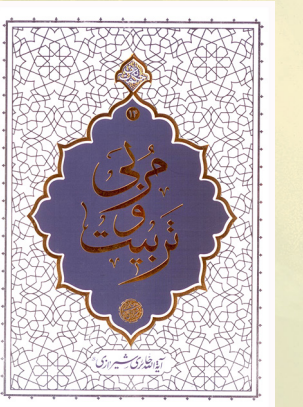


خداوند بختها را عمومی کشور



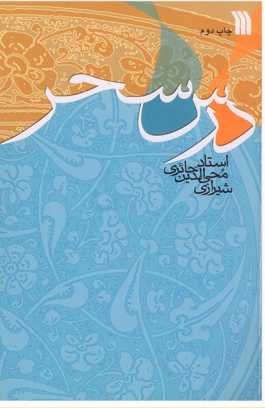
باقی علی علیہ السلام در صحرا (شرح دو حکمت نهج البلاغه)

یک حد از مردن قلب این است که انسان نتواند جلوی شهوت را بگیرد و حد خطرناک تر این است که شخص نتواند بفهمد که این شهوت رانی بد است. در حقیقت، سستی اراده نشان دهنده بیماری و ضعف قلب است؛ اما عجز از فهم بد بودن آن، مرگ کامل است. ص ۹۱



مربیت و تربیت

نفس به این علت «اعدی عدو دشمن ترین دشمن» انسان است که «مسئولیت» را امتیاز تلقی می کند؛... در واقع تمام استعدادها و توانمندی های انسان فقط مسئولیت است و بدهکاری. اشتباه خطرناک انسان این است که این بدهی را طلب و توقع تلقی می کند؛ می گوید: منی که استعداد دارم، برتر از آن کسی هستم که این استعداد را ندارد و چون این گونه با مسئله برخورد می کند، توقعات و طلبکاریش از جامعه و خدا و هر چه با او در رابطه است بیشتر می شود... در حالی که باید به عکس باشد؛ یعنی باید بگوید منی که استعدادم بیشتر است و تاب تحمل و بارکشی ام بیشتر، باید توقع جامعه از من بیشتر باشد، نه توقع من از جامعه!



درس سحر

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها... چرا که در ابتدا فقط می گوید بگو: لا اله الا الله تارستگار شوی و انسان خیال می کند که منظور گفتن زبانی است و با گفتن آن کار تمام می شود، ولی بی خبر از آن که این گفته ای است که در عمل و تا آخر باید به آن ملتزم بود. زیرا وقتی انسان می گوید جز خداوند هیچ کس و هیچ چیز نه، پس باید در هر کاری نظرو رضایت او را جویا شود. اینجاست که باید گرد تمام لذات و خوشی های کاذب و پُر جاذبه دنیا را خط کشیده و پشت پا زند، که این خود ناکامی و رنج و داغی عظیم برای نفس است... این غم نفس در نهایت منجر به نشاط و سرور و لذت و ابتهاج روح خواهد شد.



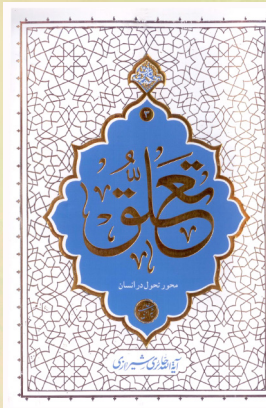
تفکر

آیا پیش فرض های دینی مانع تفکر آزاد نیست؟ نه، شما این طرف و آن طرف جوی، برای این که آب در مسیر درست برود و هرز نرود، لبه گذاری می کنید. این لبه گذاری برای هدیرن رفتن است، مانع که سر راه آب نگذاشته آید. برای این که حرام نشود و هرز نرود، این طرف و آن طرفش هم لبه می گذاری. باید با و نباید های دین لبه گذاری است. لبه گذاری برای پیشگیری از تلفات [و هدیرفت توان و انرژی و عمر و سرمایه وجودی انسان] است و مانع نیست.



حکومت جهانی خدا

در روایت آمده است که از تولد تا هفت سالگی فرزند را چنان تربیت کنید که انگار با سید و آقا طرف هستید؛... معنی آقایی طفل این نیست که چون آقا است، هر کاری هم که برایش مضرت است انجام دهد. خیر! کدام سید و آقا است که بخواهد راه اشتباهی برود و بلدچی و راهنما به دلیل آقا بودن او، وی را به حال خود بگذارند؟ طبیب به آقا امر و نهی می کند و باید با و نبایدها را مطرح می کند؛ اما همه این برنامه ها، با رعایت لطف و مرحمت و رعایت احترام و تجلیل معنی «سید» انجام می شود. آقایی به معنی رهایی نیست.



تعلق

وقتی انسان نسبت به خدا تخلف می کند، آثار آن خلاف در زندگی اش ظاهر می شود. به جای آن که خودش را محکوم کند که متخلف بوده است، از خدا گله می کند که چرا با من این طور کردی؟ انسان با شکایت از خدا، دو کار می کند: یک سوء رفتار با خدا دارد و یک حسن ظن و تعلق به خودش دارد. این دو وقتی در هم ضرب شد، نتیجه اش اعتراض به خدا می شود... من وقتی به خودم تعلق دارم، اجازه نمی دهم ایرادی به خودم وارد شود. خودم را همیشه میزا و منزه می دانم... بنابراین این نتیجه غرور و کبر و خوش بینی انسان به خودش، به اضافه گناهانی که مرتکب شده است می شود بدبینی انسان به خدا.



نماز

چون نماز به انسان معرفت و قرب می دهد، این قرب باعث می شود تا معرفت فرد به قیح اعمال بد و معرفت او به جلوه اعمال صالح زیادتیر شود و چشم دلش بر باطن اعمال گشوده شود. وقتی معرفت انسان به قیح سینه و گناه شدید شود باطن آن را مشاهده کرد، خود این معرفت انسان را از سینات باز می دارد و انسان می رسد به این معنا که جقدر قول خدای تعالی رسا است: «... ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر (سوره عنکبوت ۴۵)» به راستی که نماز از فحشا و منکر بازمی دارد.

تربیت دینی کودک

در روایت آمده است که از تولد تا هفت سالگی فرزند را چنان تربیت کنید که انگار با سید و آقا طرف هستید؛... معنی آقایی طفل این نیست که چون آقا است، هر کاری هم که برایش مضرت است انجام دهد. خیر! کدام سید و آقا است که بخواهد راه اشتباهی برود و بلدچی و راهنما به دلیل آقا بودن او، وی را به حال خود بگذارند؟ طبیب به آقا امر و نهی می کند و باید با و نبایدها را مطرح می کند؛ اما همه این برنامه ها، با رعایت لطف و مرحمت و رعایت احترام و تجلیل معنی «سید» انجام می شود. آقایی به معنی رهایی نیست.